

**اشاره** برای نوشتن تاریخ منابع گوناگونی وجود دارد. برخی از منابع مکتوب و به صورت سند، گزارش و ... هستند و برخی در حافظه افرادی قرار دارد که به نوعی درگیر موضوع تاریخی بوده یا شاهد آن بوده‌اند. هر کدام از این منابع مزایا و معایبی دارند. منابع مکتوب پایدارترند، امکان دسترسی به آنها راحت‌تر و فراگیر می‌باشد، اما در انتقال روح پیام و توصیف اوضاع قابل مقایسه با منابع شفاهی نیستند. با وجود این اگر این دو نوع منبع در کنار هم قرار بگیرند می‌توانند مکمل هم بوده و تدوین تاریخ را دقیق‌تر نمایند. فصلنامه نگین ایران در کنار مقاله‌ها، گزارشها و اسناد جنگ می‌کوشد مصاحبه‌های اختصاصی با فرماندهان و مسئولان زمان جنگ انجام دهد و یا صحبت‌های آنها را که در نشریات دیگر چاپ شده به طور خلاصه منعکس نماید تا بخش منابع شفاهی جنگ نیز که امکان از دست رفتن آنها بیشتر است مکتوب شده و ماندگاری و امکان بهره‌برداری از آنها بیشتر شود. در این شماره گفتگوی دکتر رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران باروزنامه همشهری درباره فتح خرمشهر و مصاحبه آیت‌الله موسوی اردبیلی باروزنامه اعتماد در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را می‌خوانیم.

## گفت و گوی روزنامه همشهری با دکتر سید رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



صورت‌های مختلفی دوام پیدا کند و اثرش در حافظه مردم و در گردش زمان و مکان باقی بماند. به نوعی، این پدیده بر شکل‌گیری هویت تاریخی جدید ملت ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شکل‌گیری اندیشه و اراده و عزم جوانان

□ با گذشت دو دهه از پیروزی و آزادسازی خرمشهر، به نظر شما که آن روزها در کوران مبارزه بودید و از نزدیک شاهد آن قضایا بودید، این پیروزی چه پیامها و دستاوردهایی دارد؟

■ فتح خرمشهر و هشت سال دفاع مقدس را می‌توان به عنوان پدیده تاریخی و تأثیرگذاری بر جامعه ایران و حتی بر جوامع و ملت‌های مسلمان مورد توجه قرار داد. منظور من از پدیده نامیدن فتح خرمشهر، این است که پدیده تاریخی مسئله‌ای است که در مقطعی، بخش وسیعی از جامعه را به تغییر و تحول دچار می‌کند و در گستره زمانی و مکانی عینیت می‌یابد و دارای تأثیرات منطقه‌ای یا تغییر در معادلات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی داخل کشور و یا حتی در سطح منطقه و بین‌المللی می‌شود؛ چرا که فتح خرمشهر به عنوان پدیده‌ای تاریخی، موضوعی نیست که بیاید و بگذرد و با گذر زمان فراموش شود، بلکه این پدیده تاریخی می‌تواند به

کدام از این موارد عرض می‌کنم. راجع به وحدت سیاسی در داخل کشور باید گفت که آغاز عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر در یک موقعیت بسیار عالی انجام شد که تنها رهبری بی‌بدیل حضرت امام (ره) توانست صحنه داخلی کشور و صحنه بین‌المللی را مدیریت کند؛ چرا که در داخل، هنوز بقایای نیروی مخالف انقلاب شامل منافقین، لیبرالها در کشور حضور داشتند و فعال بودند، اما به مرور از صحنه کشور حذف شدند و کشور به سمت یک انسجام سیاسی و وحدت سیاسی سوق پیدا کرد. اوضاع منطقه هم به دلیل نگرانی‌هایی که امریکاییان از پیروزیهای بزرگ قبلی ایران بر عراق از جمله شکست حصر آبادان، آزادسازی بستان یا فتح المبین داشتند، ملتهب بود. اینها عملیاتی بود که پی در پی انجام شد و امریکاییان و حامیان رژیم عراق از این

ایران برای فائق آمدن بر مسائلی که ناممکن بود، بسیار مؤثر است و همین پدیده تاریخی می‌تواند برای ملت مادر حوادث حال و آینده و مشکلات سیاسی و اجتماعی و حتی تهدیدهای جدیدی که ممکن است برای ایران تصور شود، تأثیرگذار باشد. به طور خلاصه برداشت من این است که اگر ملت ایران از هویت تاریخی خودش جدا شود، به بی‌ریشگی دچار خواهد شد و نخواهد توانست حتی همدلی نسلهای حال و آینده را برانگیزد و بر مشکلات پیش رو فائق آید، اما اگر پدیده تاریخی هشت سال دفاع مقدس، به ویژه پدیده تاریخی فتح خرمشهر را همواره با این مصاحبه‌ها، نوشتن کتابها، ساختن فیلمها، با بازدید مردم، به ویژه جوانان در قالب کاروان راهیان نور به مناطق عملیاتی زنده نگه داریم، این پدیده تاریخی همواره به عنوان یک عبرت بزرگ تاریخی و یک

### رحیم صفوی:

## فتح خرمشهر بر شکل‌گیری هویت تاریخی جدید ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استواری اراده و عزم جوانان ایران برای فائق آمدن بر مصائبی که ناممکن بود، تأثیر بسزایی داشت

ضربات پی‌درپی که بر عراق وارد می‌شد، بسیار نگران بودند. از طرف دیگر، درست در همان زمان مناسبات اعراب مسلمان و اسرائیل به مرحله‌ای رسیده بود که رژیم صهیونیستی آماده عملیات نظامی برای ورود به جنوب لبنان می‌شد که بعد از فتح خرمشهر آمد جنوب لبنان را اشغال کرد؛ بنابراین، منطقه خاورمیانه هم در وضعیت حساسی به سر می‌برد. از نظر سرعت عملیات نظامی، همان طور که ملت عزیز ما می‌دانند عملیات فتح المبین فروردین ماه سال ۱۳۶۱ تمام شد. فرماندهان به نیروهای رزمنده ارتش و سپاه و بسیج، فقط یک مرخصی کوتاه به منظور دیدار با خانواده‌هایشان دادند؛ چرا که این عملیات در ایام نوروز سال ۱۳۶۱ انجام شد و اعلام کرده بودند که نیروها بلافاصله برگردند و خودشان را برای یک عملیات بزرگ‌تری آماده کنند که چند برابر عملیات «فتح المبین» بود. می‌دانید که منطقه عملیاتی بیت المقدس پنج هزار و چهارصد کیلومتر وسعت داشت. ظرف یک ماه همه نیروهای ارتش و سپاه و بسیج آماده عملیات شدند که خود این سرعت عمل در عملیات برای عراقی‌ها، غافل‌گیر کننده بود و برای آنها غیر قابل تصور بود و نه تنها برای عراقیها که برای شوروی، امریکا و کشورهای اروپایی هم دور از ذهن و بسیار حیرت‌انگیز بود؛ چرا که تصور می‌کردند نیروهای

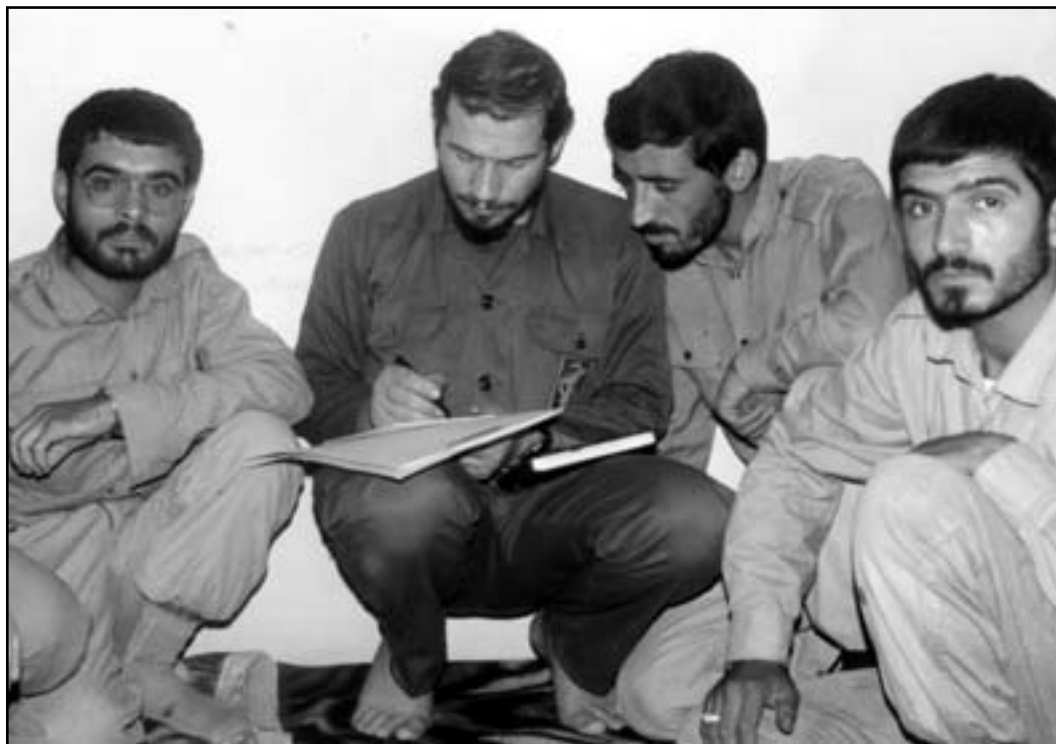
درس بزرگ تاریخی وجود خواهد داشت که یک ملتی با دست‌تتهاولی بارهبری بی‌بدیل حضرت امام (ره) توانست بر تمام قدرتهای پشتیبانی‌کننده صدام غلبه پیدا کند و پیروزی را به دست بیاورد.

□ قطعاً، در فتح خرمشهر و به قول شما، این پدیده تاریخی، علل و عوامل مختلفی دست به دست هم دادند تا محقق شود، به طور خلاصه شما این عوامل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ به طور خلاصه این عوامل به شرح زیر بودند: عامل نخست، وحدت سیاسی در داخل کشور. دوم، سرعت عملیات نیروهای سپاه و ارتش بعد از عملیات فتح المبین. سوم، انسجام و وحدت ارتش و سپاه. چهارم، اشراف بر اطلاعات نظامی. پنجم، اتخاذ استراتژی جنگ انقلابی. ششم، ابتکار و نبوغ در طرح ریزی عملیات و عبور از رودخانه کارون. هفتم، صبر و استقامت رزمندگان ارتش و سپاه و بسیج در طول عملیات بیت المقدس. همان طور که می‌دانید عملیات بیت المقدس اردیبهشت سال ۱۳۶۱ آغاز شد و تا سوم خرداد ادامه یافت. این عملیات طولانی آن هم در خرداد ماه در هوای گرم خوزستان حدود ۲۴ شبانه روز به طول انجامید. حالا من به طور خلاصه توضیحی برای هر

می دادند. خود این کار اطلاعاتی هم زمان با عملیات فتح المبین به ما سرعت بیشتری در طرح ریزی عملیات بیت المقدس را می داد. در ارتباط با اتخاذ استراتژی جنگ انقلابی می توان گفت که عملیاتی که مجموعاً در هشت سال دفاع مقدس انجام شد، از چهارچوب کلاسیک فراتر بود. برای عراقیها که جنگ کلاسیک را می دانستند، شیوه جدید جنگ غیر قابل تصور بود. هم در استراتژی و هم در تاکتیکهای عملیاتی نظامی مان از یک نبوغ در طرح ریزی عملیات، از یک قدرت عملیات عمیق در شب استفاده شد. مثلاً در همین عملیات، آزادی خرمشهر، هم زمان با عبور از رودخانه کارون نیروها در شب به صورت پیاده حدوداً ۲۵ کیلومتر پیشروی کردند، در حالی که جلوی آنها میدان مین بود و دشمن با توپخانه و زرهی با آنها می جنگید. خود این نبوغ و طرح ریزی هم زمان با عبور از رودخانه کارون و پیشروی در شب و رسیدن به جاده اهواز و گرفتن منطقه وسیعی در غرب رودخانه کارون و احداث پلهای سنگین قابل عبور با تانک از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران و گرفتن یک سرپل بزرگ برای عراقیها غیر قابل تصور بود که چطور ایرانیها توانسته اند این سرپل را بگیرند. ما در طرح ریزی مرحله دوم عملیات به گونه ای عمل کردیم که یگانهای قدرتمند خود را به قلب منطقه عملیاتی دشمن رسانده بودیم. قلب منطقه

رزمده ایرانی، حداقل برای عملیات بعدی چند ماه دیگر اقدام می کنند، عامل بعدی وحدت ارتش و سپاه بود. در این عملیات، سه قرارگاه عملیاتی تشکیل شد و فرماندهی قرارگاه مرکزی کربلا که قرارگاه مشترک ارتش و سپاه بود، را سپهد شهید علی صیادشیرازی که در آن زمان سرهنگ بودند و برادرمان سرلشکر محسن رضایی، مشترکاً به عهده داشتند. به همراه آن سه قرارگاه عملیاتی که شامل قرارگاه قدس، فتح و نصر که این سه قرارگاه هم قرارگاه مشترک ارتش و سپاه بودند تشکیل شدند. در این عملیات یگانهایی از ارتش و سپاه باهم همراه بودند و می شود گفت یک همدلی و انسجام و یک وحدت به معنی واقعی، هم در قلبها و هم در میدان و صحنه عملیات به وجود آمده بود. که این وحدت ارتش و سپاه، طی جنگ بسیار کارساز و مؤثر بود. نکته بعدی اشراف اطلاعاتی است. هم زمان با اجرای عملیات فتح المبین، نیروهای اطلاعاتی ما، منطقه خرمشهر را شناسایی می کردند، یعنی از رودخانه کارون عبور می کردند، جاده اهواز - خرمشهر را شناسایی می کردند و تقریباً ما براساس این اطلاعات، عملیات بیت المقدس را طراحی کردیم، گاه این نیروهای اطلاعاتی ۴۸ ساعت در منطقه اشغالی دشمن می ماندند و گاه وقتی به جاده اهواز - خرمشهر می رسیدند، سجده شکر به جا می آوردند و واقعاً، با عشق و علاقه بسیار عالی کار را انجام



رابه او تفویض کرد. در شروع جنگ، شهریور ۱۳۵۹، هفت ماه بود بنی صدر فرمانده کل قوا شده بود و خاطر م هست که ده روز پس از آغاز جنگ به کرمانشاه آمد؛ در ستاد لشکر زرهی کرمانشاه آنجا برای شرکت در جلسه شورای عالی دفاع آمده بودند. آن موقع شهید عالی مقام بروجردی، فرمانده منطقه غرب سپاه بود. من هم فرماندهی سپاه کردستان را عهده دار بودم. در آن جلسه هم شهید بروجردی، هم بنده، هم شهید صیاد شیرازی به بنی صدر گفتیم که عراق می خواهد جنگ را علیه ما آغاز کند، خود من که به منطقه قصر شیرین رفته بودم، روی ارتفاعات قصر شیرین پشت مرزمان، با چشم غیر مسلح بدون دوربین یک لشکر مکانیزه عراق را دیدم و کاملاً مشخص بود که عراق قصد حمله به ایران را دارد. وقتی به بنی صدر گفته شد که عراق می خواهد حمله کند، او نپذیرفت

عملیات به گونه ای بود که عراقیها به تردید بزرگی دچار شده بودند، که ما پیش از اینکه خرمشهر را آزاد کنیم به سمت بصره می خواهیم پیشروی کنیم، که همین تصور، باعث شد دو لشکر پنج زرهی و شش مکانیزه که پشت رودخانه کرخه کور آرایش گرفته بودند، فرار کنند؛ یعنی ما وقتی قلب منطقه را تصرف کردیم، دشمن نگران سقوط بصره شده و مجبور به فرار شد. حقیقتاً هوای گرم، حجم آتش دشمن، عملیاتهای پشت سر هم و پاتکهای شدید دشمن، کار را بسیار سخت می کرد، حتی زمانی می شد که هوای منطقه طوفانی می شد، اما همه نیروهای رزمنده ارتشی و سپاهی و بسیجی با یک استقامت بسیار بالا، بار و حیه بسیار بالایی، با عشق به جهاد و شهادت، با عشق به اینکه فرمان امامشان را در آزادی خرمشهر اطاعت بکنند، گرما را تحمل می کردند. این صبر و استقامت

### رحیم صفوی:

## در عملیات بیت المقدس یک همدلی و انسجام و یک وحدت واقعی، هم در قلبها و هم در میدان و صحنه عملیات بین نیروهای ارتش و سپاه به وجود آمده بود

و یک تحلیل سیاسی کرد و گفت که باید موازنه قوا بین قدرتهای بزرگ جهان، امریکا و شوروی، به هم بخورد و باید روابط دیپلماتیک ایران و عراق به هم بخورد و با یک تحلیل سیاسی این گفته ما را رد کرد. بعد هم که جنگ آغاز شد، بنی صدر از نظر نظامی فاقد هرگونه اعتقادی به حضور مردم و یک جنگ مردمی و یک جنگ انقلابی بود و می گفت: این مردمی که آموزش ندیده اند، بسیجیان را امام بی خود می فرستد به جبهه، می گفت عراق همه اینها را می کشد و آخر هم ما نمی توانیم در جنگ پیروز شویم و راهکار سیاسی پیشنهاد می داد و حتی قائل به مسلح کردن پاسداران و بسیجیان که عازم جبهه های جنوب و غرب بودند، به هیچ وجه نبود! و ما با حمایت مقام معظم رهبری که در آن زمان نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع بودند، سلاح و تجهیزات با خیلی دردسر می گرفتیم و نیروهای بسیجی و سپاهی را مجهز می کردیم. بنی صدر از نظر سیاسی و فکری با تفکر لیبرالی که داشت در مقابل تفکر انقلابی و اسلامی امام (ره) ایستاده بود و نمی خواست تفکر امام (ره) که بسیج همه مردمی بود که می خواستند از کشورشان و انقلابشان دفاع کنند، اجرا شود. [...] از نظامیگری هم چیزی نمی دانست، اما یک آدم تبلیغاتی بود که خیلی هم خوب حرف می زد و سخنرانی می کرد. در فریبکاری مردم بسیار توانا بود.

البته، تنها رزمندگان را شامل نمی شد. بلکه مادران و همسران رزمندگان نیز این صبر و استقامت را عمل می کردند و این خود، پشتوانه معنوی عظیمی برای رزمندگان بود و این صبر و استقامت یکی از عوامل مهم فتح خرمشهر محسوب می شد.

□ آقای صفوی! در بررسی مسائل مربوط به سالهای سخت جنگ تحمیلی، موضوع حضور بنی صدر در رأس فرماندهی جنگ و اقدامات و نظریات او در چگونگی اداره جنگ بسیار مهم است؛ چرا که شاید پاسخ به این پرسش پاسخ به پرسش دیگری باشد مبنی بر اینکه چرا این قدر خرمشهر و سایر نقاط اشغالی دیر از دست دشمن آزاد شدند؟

■ بنی صدر یک سال پیش از فتح خرمشهر از صحنه سیاسی کشور خارج شده بود و همان طور که می دانید در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ حضرت امام (ره) او را از فرماندهی کل قوا عزل کرد و هم مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت سیاسی او رأی داد و همراه با سرکرده منافقین بایک هواپیما از ایران فرار کرد. اما پرسش شما درست است شاید اگر آن تفکر بنی صدر نبود و شاید اگر بنی صدر فرمانده کل قوا نبود؛ [سریع تر به پیروزیهای بیشتری می رسیدیم]. چرا که بنی صدر بعد از اینکه رئیس جمهور شد، حضرت امام (ره) فرماندهی کل قوا

سپاه در مرحله نخست شامل اصولی بود که به طور بنیادین با تفکر و روش فرماندهی بنی صدر در تعارض قرار داشت. این اصول جدید نظامی عبارت بود از: حمله‌های پی در پی به دشمن با اجرای عملیات محدود، تکیه به عوامل معنوی همچون وحدت، ایمان و عشق به شهادت، جذب نیرو و گسترش سازمان نیروهای انقلابی با سازماندهی نیروهای بسیجی، و همکاری با نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و به کارگیری نیرو و امکانات آنها. در این تجزیه و تحلیل، «نقش سپاه و نیروی مردمی» به عنوان عامل تعیین کننده در پیدایش تحول در جنگ مورد تأکید قرار گرفته است؛ موضوعی که بنی صدر قادر و مایل به درک آن نبود و به همین دلیل، در تلاشهای نظامی خود ناکام ماند. به کار نگرفتن نیروهای مردمی و سپاه در عرصه جنگ حاصل تفکر و بینش لیبرالیستی بنی صدر و همچنین، بینش نظامی کلاسیک بود، هنگامی که این تفکرات در آزمون عملی شکست خورد، زمینه برای حضور نیروهای مردمی و انقلابی فراهم شد. به عبارت دیگر، حضور این نیروها، پاسخی بر کاستیها و ضرورت‌هایی بود که انقلاب و جنگ در آن وضعیت سخت و دشوار به آن نیاز داشت.

□ نخستین عملیاتی که با این استراتژی طراحی و اجرا شد، چه عملیاتی بود و چه پیامدهایی برای استمرار این گونه شیوه جنگیدن در جنگ به همراه داشت؟

■ نخستین عملیات با مشخصه‌های جدید و کاملاً متفاوت با روشهای گذشته و در عین حال، کاملاً مطابق با توان و مقدرات خودی، در ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۵۹ در جبهه غرب سوسنگرد به نام مبارک امام مهدی (عج) طرح ریزی و اجرا شد. در این عملیات، نیرویی در حد یک گردان پیاده، یک گروهان تانک و دو گروهان مکانیزه حمله کردند و ضمن انهدام دشمن، هفتاد تن از آنها را به اسارت در آوردند. در پی این عملیات، جبهه‌ها جان تازه‌ای گرفتند و استراتژی جدید جنگ که متکی به تهاجم با نیروهای پیاده بود، پی ریزی شد و در ادامه آن، عملیتهای الله اکبر و شوش به اجرا در آمد. در ادامه روند جدید جنگ، در مجموع، ۲۵ عملیات محدود از اسفند ماه سال ۱۳۵۹ تا مهر ماه سال ۱۳۶۰ انجام گرفت که نقش

بنی صدر بیشتر عمر خود را در خارج از کشور و در فرانسه گذرانده بود و اصلاً فرهنگ مردم ایران را نمی شناخت، در میان مردم ایران زندگی نکرده بود. اصلاً نمی دانست انقلاب اسلامی چگونه پیروز شد. با فرهنگ و اعتقادات و علاقه مردم به امام [ره] بیگانه بود. بنی صدر پتانسیل انقلابی و ظرفیت انقلابی مردم ایران را نمی فهمید، مدعی ملی گرایی بود، اما ملت ایران را نمی شناخت، عمق غیرت و آن قدرت ملت ایران و ظرفیت مردم ایران را نمی شناخت ولی امام (ره) می دانست که این ملت چه ظرفیتهایی دارد، او از زمان آغاز جنگ، یعنی شهریور ماه سال ۱۳۵۹ تا خرداد ماه سال ۱۳۶۰ نتوانست پیروزی عمده‌ای برای جنگ به دست آورد، بلکه چندین عملیات ناموفق انجام داد که منجر به انهدام تجهیزات و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران شد. او از اسفند ماه سال ۱۳۵۹ تا خرداد ماه سال ۱۳۶۰ کشور را به یک بحران سیاسی وارد کرد و سرانجام، هم امام (ره) در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ او را از فرماندهی کل قوا عزل کرد؛ اقدامی که بنی صدر هرگز تصور آن را نمی کرد. حتی رادیو لندن طی تحلیلی از برخورد امام (ره) به عنوان بزرگ ترین ضربه به بنی صدر یاد کرد و امام (ره) پس از عزل بنی صدر سرلشکر فلاحی را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا منصوب کردند.

□ به نظر می رسد در اواخر ماههای مسئولیت بنی صدر در فرماندهی کل قوا و با مشاهده ضعفها و کارشکنیها و خیانتهای او که اثر آن به نوعی توقف روند حرکت جنگ و بن بست در آزادسازی مناطق اشغالی از دست دشمن بود، برخی دیگر از فرماندهان انقلابی در ارتش و سپاه به فکر اتخاذ استراتژی جدیدی برای دفع تجاوز و آزادسازی مناطق تحت اشغال بودند، از نظر شما، این استراتژی جدید چه ویژگیها و چه تأثیراتی بر ادامه روند جنگ داشته است؟

■ عدم کارایی سیاستهای جنگی و نظامی بنی صدر و شکست نیروهای نظامی ما در چند ماهه آغاز جنگ باعث آغاز استراتژی جنگ به موازات ایجاد تردید در مورد فرماندهی بنی صدر در سطوح بالای کشور و شورای عالی دفاع شد و بخشی از موانع موجود برای بر خورداری سپاه از نقش تعیین کننده در جنگ را بر طرف کرد. رهیافت جدید

**به کار نگرفتن نیروهای مردمی و سپاه در عرصه جنگ، حاصل تفکر و بینش لیبرالیستی بنی صدر و همچنین، بینش نظامی کلاسیک بود، هنگامی که این تفکرات در آزمون عملی شکست خورد، زمینه برای حضور نیروهای مردمی و انقلابی فراهم شد**

## ضربه فتح خرمشهر برای رژیم بغداد به اندازه‌ای سنگین بود که صدام در اجلاس چهار روزه کنگره حزب بعث عراق با پذیرش مسئولیت این شکست از دبیر کلی این حزب استعفا داد، اما مجدداً به اتفاق آراء به این سمت برگزیده شد

عملیاتی فتح المبین، از پیچیدگی و دشواریهای نسبتاً زیادی برخوردار بود. از دیدگاه نظامی، اهداف عملیاتی بیت المقدس بیشتر شامل انهدام نیروهای دشمن و آزادسازی سرزمینهای اشغالی در غرب رودخانه کارون و نیز تهدید بصره به منظور وادار کردن عراق به پرداخت خسارت جنگ بود. افزون بر این خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه، سوسنگرد و جاده اهواز- خرمشهر بخشهای دیگری از اهداف این عملیات بودند. عملیات بیت المقدس و نتایج آن می‌توانست سرنوشت جنگ و موقعیت سیاسی رژیم عراق را مشخص کند. مواضع و استحکامات عراق در خرمشهر و آمادگی برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام، این امیدواری را برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق به وجود آورده بود که عراق با حفظ خرمشهر و با ایجاد تأخیر در آزادسازی آن، ضمن فرسایش توان نظامی ایران، فرصت لازم را برای آمادگی ارتش عراق برای مقابله با وضعیت جدید فراهم خواهد کرد. سرعت عمل نیروهای نظامی ایران با اتکا به تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و سقوط مواضع عراق و آزادسازی زود هنگام خرمشهر، نه تنها تمامی امیدهای حامیان عراق را بر باد داد، بلکه دامنه نگرانی و اضطراب آنها را در مورد سرنوشت سیاسی رژیم صدام و آینده منطقه گسترش داد. از نظر نظامی، اجرای چهار عملیات پیروزی هشت ماه نشان دهنده تجدید نیروهای نظامی ایران بود. متقابلاً، ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع استحکامات خود به منزله از میان رفتن توان نظامی این کشور و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد. از بعد سیاسی، در واقع عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه گاهش را برای مذاکره از دست داد. به عبارت دیگر، خرمشهر برای عراق به عنوان برگ برنده محسوب می‌شد که با آزادسازی آن به دست رزمندگان اسلام و عقب نشینی تحقیر آمیز و مفتضحانه ارتش دشمن، رژیم عراق به نقطه پایان نزدیک می‌شد. ضربات این شکست برای عراق به حدی بود که در اجلاس چهار روزه کنگره حزب بعث عراق، صدام با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد، اما مجدداً، به اتفاق آراء به مقام دبیر کلی حزب بعث انتخاب شد. در عملیات بیت المقدس، نوزده هزار تن از نیروهای عراق اسیر و شانزده هزار تن دیگر

تعیین کننده‌ای در روند تحولات جنگ داشت. عملیات بعدی که براساس این استراتژی جدید انجام گرفت، عملیات ثامن الائمه بود که با هدف شکستن محاصره آبادان در مهر ماه سال ۱۳۶۰ در شرق رودخانه کارون آغاز شد و پس از ۴۸ ساعت نبرد، مواضع دشمن در هم کوبیده شد و تمامی اهداف عملیات تأمین شد. این عملیات به منزله نقطه عطف و حلقه واسط برای انتقال استراتژی جنگ از وضعیت گذشته به وضعیت جدید بود. در این عملیات، سپاه با جذب و به کارگیری نیروهای مردمی توانست پانزده گردان نیرو سازمان دهی و وارد عمل کند. این اقدام به منزله افزایش توان سازمان دهی سپاه به میزان ده برابر بود. اولین نتیجه کلی و برجسته عملیات ثامن الائمه عبارت بود از «در هم شکستن استراتژی دشمن در نقطه اصلی آن». در همان زمان یکی از کارشناسان نظامی خارجی گفته بود «هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند!» همچنین، در چهار چوب این استراتژی جدید، عملیات طریق القدس با هدف قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه چزابه و همچنین، آزادسازی شهر بستان و هفتاد روستای دیگر آن، در هشتم آذر ماه سال ۱۳۶۰ آغاز شد. متعاقب تلاشهایی که در زمینه طرح ریزی آزادسازی مناطق اشغالی صورت گرفت، سرانجام، در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲، عملیات فتح المبین آغاز شد و پس از یک هفته، کلیه مواضع دشمن منهدم و منطقه به طور کامل پاک سازی شد. اسارت هفده هزار نفر از نیروهای دشمن نشان دهنده موفقیت عملیات و مهم تر از آن فروپاشی اردوگاه دشمن بود. برخی از کارشناسان از این عملیات به عنوان پیچیده ترین تلاش ایران در جنگ تا آن زمان که خفت بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق کرده است یاد کردند.

□ در این فضای خاص ما شاهد طرح ریزی عملیات بیت المقدس برای آزادسازی خرمشهر هستیم، این عملیات چه تأثیراتی بر ادامه روند جنگ داشت و چه تغییری در فضای کلی جنگ به همراه داشته است؟

■ طرح ریزی عملیات بیت المقدس با توجه به تفاوت‌های آشکار زمین این منطقه با سایر مناطق عملیاتی، به ویژه منطقه

پیشروی به مرز و داخل خاک عراق اشاره می‌شد. نکته بسیار مهم اعتراف به نیروی ایمان و اعتقاد نیروهای رزمنده در این عملیات از سوی رسانه‌های خارجی بود که مجله آلمانی اشینگل روحیه شهادت طلبی را عامل پیروزیهای اخیر ایران دانست. همچنین، روزنامه دی ولت چاپ آلمان نوشت: «عراق در جنگ علیه ایران و علیه انقلاب اسلامی و آیت الله [امام] خمینی، هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی باخته است. این نظرهایی است که در تمام پایتخت‌های عربی به دست آمده است». در این روند، «تثبیت نظامی - سیاسی ایران»

کشته و زخمی شدند، همچنین، ۵۳ فروند هواپیما در این عملیات، منهدم شدند. در این عملیات رزمندگان اسلام توانستند ۵۴۰۰ کیلومتر از سرزمینهای اشغالی را آزاد کنند.

□ فتح خرمشهر و شکست نیروهای نظامی عراق، بی شک تغییرات اساسی در استراتژیهای نظامی و سیاسی امریکا و برخی از کشورهای دیگر داشته است، از نظر شما، این پیروزی باعث چه تغییراتی در استراتژی و تاکتیکهای این کشورها در حمایت همه جانبه از صدام در ادامه تجاوز به ایران شده است؟

## پس از عملیات بیت المقدس دولت امریکا برای کمک به رژیم عراق نام این کشور را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج ساخت و محدودیت فروش تسلیحات به آن را لغو نمود

و «پیروزی نظامی بر عراق» به منزله پیروزی انقلاب اسلامی و چیره شدن بر معضلات ناشی از بحران داخلی و تجاوز خارجی ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، توانایی نظامی ایران موجب تحول در صحنه نبرد شد و تأثیرات احتمالی آن در حوزه سیاسی در داخل عراق و در سطح منطقه مورد بررسی و توجه ناظران قرار گرفت. تغییر توازن در منطقه مهم ترین نتیجه ای بود که در صورت پیروزی ایران بر عراق، ایجاد می‌شد، پیدایش این وضعیت، اساساً با منافع حیاتی امریکادر منطقه مغایرت داشت. به همین دلیل، امریکاییان خواهان برقراری توازن در منطقه بودند و این امر تنها با جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق امکان پذیر بود، در غیر این صورت، امریکا نمی‌توانست مهار اوضاع منطقه استراتژیک خلیج فارس را در دست بگیرد.

□ آیا این شکست باعث تغییراتی در سیاستهای کشورهای عرب در حمایت بیشتر از صدام هم شد؟

■ التهاب و نگرانی کشورهای عرب منطقه از پیامدهای پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر بیشتر شد؛ چرا که حمایت این کشورها از عراق به نوعی مشارکت در جنگ بود و سرنوشت این کشورها را با سرنوشت صدام در جنگ پیوند زده بود. از سوی دیگر، بر اثر پیروزی رزمندگان اسلام در فتح خرمشهر تحركات کشورهای منطقه در چهارچوب سیاستهای جدید امریکا برای مهار تحولات ناشی از پیروزی ایران بر عراق شکل کاملاً جدی به خود گرفته بود. روزنامه السیاسه چاپ کویت به خوبی حمایت صریح و بی دریغ

■ پیدایش وضعیت جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و تحولات احتمالی در منطقه، امریکارا به شدت نگران کرد. در واقع، با فتح خرمشهر امریکا دچار همان مخاطراتی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه با آن روبه رو شده بود. با این تفاوت که بابتی ثابتی داخل ایران و شروع جنگ، امریکا امیدوار بود انقلاب در درون کشور مضمحل یا تعدیل شود، اما پیروزیهای پی در پی ایران و سرانجام، فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق، دامنه نگرانی امریکارا در سطح منطقه گسترش داد. به همین دلیل، واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، اعلام کرد پیروزیهای ایران به نفع امریکانخواهد بود. بدین ترتیب، امریکاییان به دلیل نگرانی از سقوط رژیم عراق که حاصل اختطار سازمانهای متعدد جاسوسی این کشور بود، کمکهای حیاتی به بغداد را آغاز کردند. امریکا برای رفع محدودیتهای موجود نام عراق را از فهرست کشورهای به اصطلاح حامی تروریسم خارج ساخت و محدودیت فروش تسلیحات عراق لغو شد و برای برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور توافقاتی به عمل آمد، مصر و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هم برای کمک به عراق ترغیب و تشویق شدند. روزنامه فایننشال تایمز در همین زمینه نوشت: خرمشهر به منزله کلید پیروزی جنگ است و نماد مقاومت سرسختانه نیروهای ایران است. در سایر تحلیلهایی که در مورد آثار ناشی از شکست عراق در عملیات بیت المقدس مطرح می‌شد، به موضوعاتی همچون تحقیر ارتش عراق، از دست دادن مهم ترین و بزرگ ترین انگیزه عراقیها، در تیررس قرار گرفتن مناطق نفت خیز عراق و توانایی ایران برای

## اظهارات آیت الله موسوی اردبیلی درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در گفت و گو با روزنامه اعتماد

در قطع نامه، بحث مفصلی است که من یک بخشی از آن را عرض می کنم. شاید دو سه شب پیش از پذیرش قطع نامه بود که یک شب، ظاهر آما پنج نفر بودیم، آقای خامنه ای، آقای هاشمی، آقای موسوی نخست وزیر و بنده، احمد آقا هم آنجا بود، قرار شد برویم پیش حضرت امام تا ببینیم که نظرشان چیست، البته، بعد از سقوط فاو که اوضاعمان کمی نابسامان بود. من مقداری مریض بودم، آقایان گفتند شما به همین صورت هم بیاید، عیب ندارد، ما رفتیم خدمت امام (ره)، در آنجا گزارشی داده شد. آن کسی که بیشتر جبهه می رفت، آقای هاشمی بود؛ بنابراین، بیشتر گزارش می داد. تنها کسی که حرف نمی زد، من بودم؛ زیرا، بیمار بودم. نظر ما این بود که با این وضعی که پیش آمده باید قطع نامه را قبول کنیم یا نه. امام (ره) خیلی صریح و قاطع گفتند: «نه»، از آن طرف هم در تهران موشک باران بود در نزدیک خانه حضرت امام (ره) هم پناهگاهی درست شده بود. به حضرت امام عرض کردیم:



کشورهای عربی از صدام را اعلام کرد و نوشت: «عراق و به همراه او تمامی اعراب نمی گذارند که عراق شکست بخورد».

□ آقای صفوی! ویژگی اصلی این جنگ چه بود؟

■ جنگ ما یک جنگ عقیدتی بود، یک جنگی بود که با توجه به فناوری و ابزار جنگی نیروهای ما این جنگ در یک معادله عقلانی قابل محاسبه نبود؛ زیرا، طرف مقابل همه چیز داشت، حمایت‌های نظامی، تسلیحاتی، نظامی و بین المللی. و در این طرف جنگ حتی سیم خاردار به ما نمی فروختند، حتی تفنگ کلاشینکف به ما نمی فروختند. امام [ره] ما و مردم ما در این جنگ اعتقادشان این بود که این جنگ برای این نیست که خاک سرزمین ایران را بگیرند، برای این است که انقلاب اسلامی ایران را، نظام نوپای اسلامی را ساقط کنند و این جنگ، جنگی است علیه انقلاب اسلامی، برای شکست نظام جمهوری اسلامی است؛ و امام (ره) می گفتند، این جنگ، «جنگ اسلام و کفر» است. نیروهای رزمنده ما با اعتقاد به خدا با اعتقاد به جهاد فی سبیل... می جنگیدند و شهادت را با جان و دل می پذیرفتند و همان طور که امام [ره] در سال ۱۳۶۴، قبل از فتح فاو در جلسه ای که در جماران به منظور تشریح عملیات رفته بودیم، فرمودند: اصلاً فرمانده کل قوا خداست، این خدایی که به شما امر کرده است نماز بخوانید، همان خدا هم به شما امر کرده است، دفاع کنید، یعنی دفاع کردن، واجب است، در این تعبیر، حقیقتاً، نیروهای ارتش و سپاه و بسیج برای خدا می جنگیدند، مجاهد فی سبیل... بودند، درست که اهدافشان این بود که از کشورشان دفاع بکنند، از ملت شان دفاع کنند، اما همه اینها برای اطاعت امر خدا صورت می گرفت. من حقیقتاً عرض می کنم اکثر آنهایی که در جنگ بودند، آن نصرت الهی را می دیدند، نه با چشم سر که با چشم دل می دیدند. آنها احساس می کردند آن وعده های خداوند حق است، و آنچه خداوند در قرآن فرموده اند که: خداوند نصرت می دهد به مؤمنین، خدا پیروزی می دهد به مؤمنین و در صحنه های جنگ و عملیاتهای مختلف، آن نصر و پیروزی را و آن بشارتهایی که خداوند برای نصرت مؤمنین داده بود، بسیجیان می دیدند.

روزنامه همشهری، ۵ خرداد ۱۳۸۳





«حالا که تمام شهر زیر موشک باران است، شما چرا به پناهگاه نمی روید؟»، گفتند: «من نمی روم، همه که پناهگاه ندارند». گفتیم: «پس ما هم نمی رویم»، گفتند: «شما بروید، با من کار نداشته باشید». آن شب به همین جا تمام شد، برخاستیم و آمدیم. من هم بیماری ام کم کم بهتر شد. باز که دور هم جمع شدیم، صحبت شد که برویم پیش امام (ره)، شاید نظرشان برگشته باشد. من هم جزء طرفداران رفتن پیش امام (ره) بودم. یکی از دوستان به من اعتراض کرد: شما آن شب یک

که ایشان قطع نامه را قبول کند و ما هم همگی آن را تأیید کنیم، اگر قضیه بحران بر طرف شد، که هیچ و گرنه امام (ره) به کمک ما بیاید. بحث به اینجا رسید و آن شب تمام شد، ما با آن فکر رفتیم و فکر کردیم و هر چه شد توکل بر خدا، تا آمدیم، قبل از آنکه بخوابیم، احمد آقازنگ زدند و گفتند: «امام [ره] می گویند دست نگه دارند تا من بگویم که چه کار کنید»: ما فردا صبح منتظر بودیم که امام (ره) آخرین فکرشان را بگویند. مثل اینکه ایشان فکر کرده بودند که این کار یک نفر، دو یا پنج نفر نیست؛ بنابراین، گفتند: «من می پذیرم و اطلاعیه را می دهم، شما افراد و ائمه جمعه را جمع کنید، اول به آنها بگویم، بعد اطلاعیه را می دهم». امام (ره) اطلاعیه را که نوشت، به سه قوه فرستاد که نظرشان را بگویند که نمی دانم تغییری کرد یا نه. قطع نامه این طور قبول شد ...

روزنامه اعتماد، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳

کلمه هم حرف نزدید، اینجا که هستیم، مصر هستیم که برویم پیش امام (ره)، اما آنجا یک کلمه حرف نمی زنید؛ گفتیم: «مریض بودم». بالاخره، قرار شد پیش امام (ره) برویم و رفتیم. ایشان نماز را در خانه خود می خواند، ما که رفتیم، قبل از ما نماز را تمام کرد و رفت داخل، امام (ره) باخبر بود که برای چه آمده ایم. رفتیم داخل باز صحبت آغاز شد، امام (ره) گفتند: «من نمی کنم». وقتی که دیدند دوستان می گویند صلاح است، گفتند: «بریزند همه ما ۵، ۶ نفر را بکشند، چیزی می شود؟ هر روز این همه جوانها در جبهه کشته می شوند. ما هم کشته می شویم»؛ من گفتم: «شما بهترین صورت را می فرمایید؛ زیرا، اگر الان موشکی بیندازند که ما کشته شویم، نهایت این است که ما پنج، شش یا ده سال جلوتر مرده ایم، اما درباره ما خواهند گفت که اینها مثل حضرت اباعبدالله قیام کردند، زورشان نرسید، کشته شدند؛ بنابراین، هر یک از ما بعد از کشته شدن یک امامزاده می شویم و مردم را خدا نجات می دهد. این بهترین صورت است، اما بدتر از این صورت هم هست، اگر اینها بیایند استان خوزستان را تا کرمانشاه بگیرند و دیگر جلو نیابند، نفت را که می گیرند، دست ما را از آن چیزی که نان مردم را تأمین می کند قطع کنند و نیابند ما را بکشند، آن وقت نمی توانیم جواب مردم را بدهیم، اگر مردم گفتند کاری که شما می خواستید بکنید، این بود؟ اگر مردم سر ما بریزند چه کار کنیم؟ این وضع بدتر است»، امام (ره) فرمودند: «حالا پیشنهاد شما چیست؟» آقای هاشمی که در آن وقت فرمانده هم بود، گفت: «من قطع نامه را قبول می کنم، حتی اگر مردم بر سرم بریزند، منتها دیگران هم به من کمک کنند»، اول قرار شد